



در مکتب اهل بیت علیهم السلام (۴۲)

تشیع؛ صراط مستقیم
گروه پژوهش و پاسخ به شبهات

مترجم:

کاظمی حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

سرشناسه	: حسینی قزوینی، عبدالکریم
عنوان قراردادی	: التشیع هو المذهب الرسمي للإسلام بالنص القرآنی والنبوی. فارسی.
عنوان و نام پدید آور	: تشیع: صراط مستقیم / تألیف گروه پژوهش، عبدالکریم حسینی قزوینی؛ ترجمه کاظمی حاتمی طبری، تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی.
مشخصات نشر	: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۶۰ ص.
فروست:	: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۴۲
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۳۱۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: شیعه
موضوع	: شیعه - دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: شیعه - تاریخ
شناسه افزوده	: کاظمی حاتمی طبری، مترجم.
شناسه افزوده	: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. معاونت فرهنگی. اداره ترجمه
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۵۰۴۱ غ ۵ / ح ۲۳۹ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۵۳



■ در مکتب اهل بیت علیهم السلام - ج ۴۲

- تشیع؛ صراط مستقیم.
- تألیف: گروه پژوهش، عبدالکریم حسینی قزوینی.
- ترجمه: کاظم حاتمی طبری .
- تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی.
- ویراستاری: امر... نصیری .
- صفحه آرایی و تصحیح: قاسم البغدادی.
- ناشر: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- نوبت چاپ: اول .
- چاپخانه: نگارش .
- سال نشر: ۱۳۹۳ هـ . ش. / ۱۴۳۵ هـ . ق .
- تیراژ: ۳۰۰۰ جلد.
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۳۱۲-۱
- شابک دوره‌ای: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: قم، بلوار جمهوری، نبش کوی ۶، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۱۳۰۶ - ۱۰
تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره ۲۴۸، تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۹۵۰۸۲۷
www.abwacd.ir
www.abna.com
www.ahl-ul-bayt.org
info@ahl-ul-bayt.org

أَهْلَ الْبَيْتِ

فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

إِنَّمَا يَرِيءُ اللَّهُ

لِيُزْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

سُورَةُ الْأَحْزَابِ / آيَةٌ : ٣٣

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت

دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

أَهْلَ الْبَيْتِ

فِي السُّنَّةِ النَّبَوِيَّةِ

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ

كِتَابَ اللَّهِ وَعَنْتِي أَهْلَ بَيْتِي

مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا

«الصحیحاح ولسیٰ احمد»

همانا من در میان شما دو شیء گرانبها را باقی می گذارم؛
که تا وقتی به آنها چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نشوید.

فهرست مطالب

سخن مجمع.....	۹
مقدمه.....	۱۳
مقدمه مؤلف.....	۲۱
تحقیق و پژوهش در اسلام.....	۲۹
تشیع و اسلام.....	۳۱
وجه اول: وجوه چهارگانه بحث.....	۳۱
معنای تشیع از منظر لغت.....	۳۱
معنای تشیع از منظر اصطلاح.....	۳۲
وجه دوم: تشیع از چه زمانی آغاز شد؟.....	۳۸
دلایل وجوب تمسک به مذهب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۴۸
وجه سوم: تصریح پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small> بر تشیع و شیعه اثناعشری.....	۵۲
وجه چهارم: ویژگیهای شیعه.....	۵۵
خواننده محترم!.....	۵۸
مآخذ.....	۵۹

سخن مجمع

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام]... معرفی مکتب اهل بیت علیهم السلام است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد.»

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۲۸ / ۵ / ۱۳۸۶)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که تبلور اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و متکی بر منبع و حیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: « فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا » [شیخ صدوق رحمته الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار علیهم السلام و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت علیهم السلام

گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام و حمایت از پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت علیهم السلام در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی‌ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای

کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره‌ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می‌کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه‌ی معارف اهل بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته‌گان، صاحب نظران و پژوهش‌گران ارجمند استقبال می‌کند تا زمینه‌های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت علیهم‌السلام فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت

مهدی عجل‌الله‌فرجه.

نجف لک زایی
معاون امور فرهنگی

مقدمه

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ».^(۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی

خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می

فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ
أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾.^(۲)

۱ - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲ - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً»^(۱).

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده»^(۲).

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضاء خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خونریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

۱ - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱/۴۱۱.

۲ - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و آتھام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امت و برآحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت علیهم السلام، برخورد لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت علیهم السلام و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجوییم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الأنبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزی و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛
- ما که خطبه های غرآی توحیدی مولی الموحدین امیر المؤمنین علیه السلام را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

– ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر ﷺ را همانند دعای کمیل از امام علیؑ، دعای عرفه از امام حسینؑ و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجادؑ و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متى غبت حتى تحتاج إلى دليل يدل عليك... عميت عين لا تراك...
ماذا وجد من فقدك وما الذي فقد من وجدك...»^(۱)

– ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!!

۲ – اعتقاد به امام مهدیؑ و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی – روی هم رفته – به آن اعتراف دارند تا جایی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند.^(۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیتؑ و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

۱ – بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲ – همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صباي حنفي، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عباس قرمانی حنفی، ابن عامر شبراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی علیه السلام و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا^(۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

۱ - بالآخره، معلوم نشد این سرداب کجاست!

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقّ اهل بیت علیهم السلام توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آكلة الاکباد و آنان که گویند «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه گونه خوش خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی رحمی، قطعه قطعه و به آتش می کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می باشند، **فإلی الله المشتکی.**

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام مکلفیم، بر خود واجب می دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی زاری خود را از این تفرقه افکنان و جنگ افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت علیهم السلام»^(۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین^(۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت. بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان و وحدت مسلمین، قرار گرفت. شخصیت‌های علمی و دست‌اندرکاران نشر و قلم و گروه‌های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه‌ی این مجموعه را به زبان‌های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

-
- ۱ - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.
 - ۲ - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته‌اند. متذکر می‌شویم:
 - ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه.
 - ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه.
 - ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی رحمته‌الله، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه.
 - ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله.
 - ۱۳ - ۱۰ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور.
- ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده‌ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می‌شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

مقدمه مؤلف

وقتی یک مسلمان، برای ادای فریضه حج و سنت عمره سفر می‌کند، طعم شیرین اسلام و عبودیت را چشیده تبلور ایمانش را در خلال انجام این مناسک، یافته و خویشتن را در حضور خدای تعالی و روحانیت و معنویت او می‌بیند.

اما با کمال تأسف، در طول این سفر، با واقعیت‌های تلخ، برخوردارهای خشن و رفتارهای زشت جاهلی مواجه می‌گردد؛ با انواع دروغها که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت داده می‌شود و تهمتها و افتراهای باطلی که به مسلمانان و مؤمنان، زده می‌شود.

بدین ترتیب، آرزوهای معنوی از این سفر روحانی، به واقعیتی تلخ مبدل می‌شود که مایه وهن اسلام و مسلمین است؛ خصوصاً که این گونه اعمال، در مراکز عبادت و مساجد مقدسی صورت می‌پذیرد که برترین و مقدس‌ترین مساجد نزد مسلمانان هستند؛ مکانهایی که هر مسلمانی آرزو دارد در طول عمر خود، فرصت حضور در آنها و بهره برداری از فیوضات معنوی آن اماکن مقدس را داشته، برای قوام بخشیدن به باورهای ایمانی خود، در رواقهای آن بنشیند.

اما با کمال تأسف، در چنین لحظات ملکوتی و عرفانی، با چهره‌هایی درهم کشیده، زبانهایی گزنده، رفتارهایی بد و روحیه‌ای

تهاجمی، رو به رو می‌شود؛ آن هم از ناحیه کسانی که با تظاهر به دینداری، ریشهایی بلند و لباسهایی کوتاه دارند:

﴿... أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^(۱)،

«چنین می‌پندارند که از نیکوکارانند».

اما عملکرد آنان و تهمت و افتزایی که بر مؤمنان وارد می‌آورند، ایشان را جز مصداق این آیات نمی‌کند که:

﴿... إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^(۲).

«آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بد راهی بوده است».

﴿... وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ...﴾^(۳).

«و آنان، بار سنگین گناهانشان را به دوش می‌کشند».

اینان مصداق همان شعر شاعر عرب هستند که گفت:

فقل لمن يدعى في العلم معرفة حفظت شيئاً وغابت عنك أشياء

«به آن که در وادی دانش، ادعای معرفت می‌کند، بگو: مطلبی آموختی،

اقا بسیاری از نکات را از دست دادی».

ما نیز خطاب به آنان می‌گوییم:

۱- کهف (۱۸): ۱۰۴.

۲- نساء (۴): ۲۲.

۳- انعام (۶): ۳۱.

۱- احترام گذاشتن به قرآن و سنت، احکام و شرایط خاص خود را داراست و تنها با بلند کردن ریش و پوشیدن لباس کوتاه حاصل نمی‌شود بلکه انسان مسلمان باید ملتزم به انجام واجبات و ترک محرّمات باشد. در غیر این صورت، این آیه شریفه بر او صادق می‌آید که می‌فرماید:

﴿...أَفْتُونُونِ بِبَعْضِ الْكُتُبِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾^(۱).

«آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات]، ایمان می‌آورید و به پاره‌ای، کفر می‌ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا و روز رستاخیز، چیزی نخواهد بود».

۲- از مسلمات اسلام این است که افترا بستن بر مؤمنان و نسبت دادن مطالب باطل و تهمت زدن به آنان، از محرّمات مؤکد است که خدای تعالی در آیات بسیاری از قرآن، از آن نهی فرموده است:

﴿فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^(۲).

«پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند».

و نیز در مقام سرزنش این مفتریان می‌فرماید:

۱- بقره (۲): ۸۵.

۲- آل عمران (۳): ۹۴.

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ...﴾^(۱).

«تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند».

حال، با وجود این آیات کریمه چگونه بر آنان جایز خواهد بود که چنین افتراهای سراپا دروغی را به مؤمنان نسبت دهند؟ درحالی که کتابها و عقاید این مؤمنان، شاهد صادقی بر بی‌زاری آنان از مضمون این اکاذیب و پاکی اسلام و ایمان ایشان است.

آنان در حالی مورد تکفیر و افترای شما واقع می‌گردند که بر اسلام و ایمان خود اقرار داشته به آن افتخار می‌کنند، اما شما با این که خدای تعالی از این کار نهیتان کرده است، بدان مبادرت می‌کنید.

شما بدون دلیل، ایمان مؤمنان را رد می‌کنید در حالی که خدای

تعالی فرماید:

﴿...وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...﴾^(۲).

«و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند، مگویید: تو مؤمن

نیستی.»

این، چیزی جز عناد ورزی بی دلیل با خدا و رسول نیست و خدا در

این باره فرماید:

۱- نحل (۱۶): ۱۰۵.

۲- نساء (۴): ۹۴.

﴿الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ﴾^(۱).

«کسانی که درباره آیات خدا - بدون حجتی که برای آنان آمده باشد - مجادله می کنند، [این ستیزه] نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند، [مایه] عداوت بزرگی است. این گونه، خدا بر دل هر متکبر و زورگویی، مُهر می نهد».

۳- بارها شده که من خود در صحن مسجد شریف نبوی، یا مسجد الحرام، با افرادی از این دست برخورد کرده ام که بر سر ما فریاد می زنند: آی جماعت شیعه! شما همه کافرید و قبر امامان خود را می پرستید!

این افترا و سخنی دروغین و اگر اندکی بیندیشند، بطلان آن آشکاراست. نسبت دروغ دادن، در مکانهای عادی، شرعاً حرام است؛ چه رسد به مکانهای مقدسی چون بیت الله الحرام و مسجد شریف نبوی که پایگاه ایمان و وحدت امت اسلام هستند!!

۴- من از چنین کسانی خواهش می کنم، اندک زمانی گوش جان خود را به روی حقایق و واقعیات بکشایند و این جزوه را با دقت و تدبیر مطالعه کنند، آنگاه این حق را خواهند داشت که با دلیل و

برهان، به نفع، یا بر زیان ما حکم کنند؛ زیرا این جزوه، در مقام پاسخ به یکی از تهمتهایی است که درباره تشیع و حقیقت آن مطرح شده است. من نیز این مطلب را به صورت واقع گرایانه و با استدلال به کتاب و سنت مورد بحث قرار داده‌ام.

ما برای پاسخگویی به سؤالات آنان، یا هر شبهه‌ای که برای آنان ایجاد شود، آمادگی کامل داریم تا اگر اسلام را دوست می‌دارند و به سوی آن دعوت کرده به شناخت حقیقت و واقعیت، اهتمام می‌ورزند، حق و اهل حق را بشناسند؛ زیرا مسلمان واقعی کسی است که چون حق را دید و به آن رسید، در برابرش سر تسلیم فرود آورده به سوی آن جذب شود.

قرآن کریم حتی غیر مسلمانان را نیز به بحث و تحقیق برای دستیابی به واقعیت و حقیقت فرا خوانده است؛ چه رسد به مسلمانان در میان خود؛ چنانچه می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^(۱).

«بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی

از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد، پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]».

این جزوه، حاصل مباحثه من با یکی از شخصیت‌های وهابی است که رئیس گروهی از آنان و به لحاظ سازمانی، دارای پست مهمی بود و عمر... نام داشت. چون نمی‌خواهم مشکلی برایش پیش بیاید، دوست ندارم نام کامل او را افشا کنم.

در این مباحثه به رغم تعصب و تندی شدید وی! موفق شدم تهمت‌های وارده بر تشیع را از ذهنش پاک کرده به او تفهیم کنم که این تهمتها از بیرون به جهان اسلام وارد شده و ریشه اسلامی ندارند. آن مرد بحمد الله تعالی در برابر حق، سر تسلیم فرود آورد و به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام هدایت شد و در امور عبادی خود، پیرو فقه اهل بیت علیهم‌السلام گردید.

این نتیجه یک مناظره واقع‌گرایانه و استدلال بر ضرورت پیروی از این مذهب بود؛ چرا که این مذهب، تنها راه و صراط مستقیم اسلام است.

تحقیق و پژوهش در اسلام

«اسلام»، شیوه خاص و منحصر به فردی برای تربیت و پرورش پیروان و مؤمنان، نسبت به رسالت خود دارد و آن، جستجوی دائم حقیقت و رفتن به سوی واقعیت است. این روند، انسان را به واقعیت رسانده و او را از رسوبات مذهبی، قومی و جغرافیایی ذهنش آزاد می‌کند. و آنگاه که انسان، از بند این رسوبات، خلاصی یافت، به قلّه فضیلت و حقیقت می‌رسد و در این حال است که انسان با عقل خود - نه با رسوبات ذهنی و امیال درونی خویش - زندگی می‌کند. بنا بر آنچه گفتیم، رسیدن به حقیقت، نیازمند چند چیز است: اول این‌که: خود را از سلطه امیال و رسوبات فکری و نفسانی وارهاند.

دوم این‌که: با واقع‌گرایی صرف، به موضوع مورد پژوهش بنگرد تا بتواند به حقیقت و واقعیت، دست یابد. سوم این‌که: پیش از آگاهی کامل از اصول و مفاهیم یک مذهب، یا یک اندیشه، درباره آن حکم نکرده پس از حصول اطلاع، به نفع یا زیان آن حکم کند.

این سه نکته از آشکارترین و اصیل‌ترین حقایقی است که پژوهشگر را به حق و واقع می‌رساند و بر هر مسلمان واجب است که خود را به آنها آراسته و هنگام قضاوت درباره هر چیز، از این سه

اصل اساسی یاری بجوید. بر همین اساس است که خدای متعال نیز، پیامبر خود را بدین سان مورد خطاب قرار داده است که:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^(۱).

«و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب،

همه مورد پرسش واقع خواهند شد».

وقتی چنین خطابی متوجه ذات اقدس رسول گرامی اسلام ﷺ باشد که معصوم و مبرای از هر خطایی است، حکم مسلمان غیر معصوم چه خواهد بود؟ پس بر ما لازم و واجب است که هیچ سخنی را بدون علم و آگاهی بر زبان نرانده بدون دانش بر چیزی حکم نکنیم که پایبندی به این اصول و التزام به این روش، مقتضای ایمان است.

تشیع و اسلام

حال، پس از بیان این مقدمه به بحث پیرامون «جایگاه تشیع در اسلام» خواهیم پرداخت و این که آیا این تفکر، پس از اسلام بر آن افزوده شده و امری بیگانه از اسلام است؟ یا این که تفکر شیعی، از درون اسلام جوشیده و در هیچ حالی از آن جدا نبوده است؟ این مطلبی است که می‌خواهیم به گونه‌ای مختصر، اما واضح و روشن و بدون هیچ ابهام و اشتباهی، پیرامون آن بحث کنیم. این بحث دارای چند وجه است.

وجه اول: وجوه چهارگانه بحث

در تحقیق «معنای تشیع» از دو ناحیه لغوی و اصطلاحی بحث می‌کنیم:

معنای تشیع از منظر لغت

«تشیع» از ریشه «شیع»، به معنای «مشایعت و پیروی کردن» آمده و نویسنده قاموس اللغة این معنا را پذیرفته و گفته است:

«شيعة الرجل أتباعه و أنصاره»؛

«شيعه مرد به پیروان و یاران او گفته می‌شود»^(۱).

و در قرآن مجید نیز این کلمه به همین معنا آمده است:

﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ * إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^(۱).

«و بی گمان، ابراهیم از پیروان اوست. آنگاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد».

که مراد، یا پیروی در اصول دین است، یا پیروی در پایبندی به دین خدا و بردباری در مبارزه با دروغگویان^(۲).

معنای تشیع از منظر اصطلاح

اصطلاحاً کلمه «شیعه» به عنوان علم و اسم خاص برای پیروان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در آمده است؛ یعنی کسانی که از ایشان پیروی کرده رشته ولایت آن بزرگوار را بر گردن داشته او را یاری می کنند.

این اصطلاح در بر دارنده دو معناست:

الف: ولا، محبت و مودت. این معنا، وظیفه‌ای واجب در اسلام و مطلوب قرآن کریم است که در نص صریح، خطاب به همه مسلمانان می فرماید:

﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾^(۳).

«بگو: به ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان».

۱- صافات (۲۷): ۸۳-۸۴.

۲- زمخشری، تفسیر کشاف زمخشری: ۴۸۳/۲.

۳- شوری (۴۲): ۲۳.

حال، سؤال ما این است: آیا خویشاوندی نزدیکتر از علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام به پیامبر گرامی اسلام وجود دارد؟ پس محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام که بخشی از تشیع است - چنان که گفتیم - به نص قرآن مجید، واجب است. بیضاوی نیز در تفسیر خود آورده است:

«روایت شده است که چون این آیه (آیه مودت) نازل شد، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض شد: ای رسول خدا! این خویشاوندان شما چه کسانی هستند که محبت و دوستی با آنان بر ما واجب شده است؟ فرمود: علی و فاطمه و پسران آنان.»^(۱)

ب: گاهی هم از شیعه، معنای «متابعت و همراهی با اهل بیت علیهم السلام و تمسک به سخنان و تعالیم آنان، اراده می‌شود» و این نیز یک وظیفه واجب اسلامی است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله آن را بر همه مسلمانان واجب کرده و آنان را به انجام آن الزام فرموده است؛ چه این که در حدیث شریف نبوی - که به «حدیث سفینه» معروف است - چنین آمده است:

«مثل أهل البيت فيكم كسفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها هوى و غرق»^(۲).

۱- تفسیر بیضاوی: ۵/ ۵۳ چاپ مصر، الکتب العربیه الکبری سال ۱۳۳۰ هـ. ق.
 ۲- این حدیث را حاکم، در مستدرک: ۳ / ۱۵۱ روایت کرده. خطیب نیز آن را در تاریخ خود: ۱۲ / ۹۱ تخریج کرده است. این روایت از ابوذر، انس، ابن عباس، ابوسعید خدری، ابن زبیر و دیگران نیز روایت شده است (ر.ک: الغدير: ۲ / ۳۰۱).

«مثل اهل بیت من در میان شما، مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود، نجات یافته و هر کس از سوار شدن بر آن روی گرداند، سقوط کرده و هلاک خواهد شد».

این حدیث که در میان مذاهب اسلامی، مورد اتفاق بوده، همه مسلمانان را به التزام به فرمایشات و عمل به تعالیم اهل بیت علیهم السلام فرمان داده است تا از گمراهی و انحراف، نجات یابند.

حال، این حق را خواهیم داشت که بپرسیم: آیا در میان اهل بیت کسی یافت می شود که از علی علیه السلام داناتر و به پیامبر صلی الله علیه و آله زدیکتر باشد تا بتوانیم به سخنان و تعالیم وی تمسک کرده، طبق هدایت و تعالیم وی، راه پیوییم و از سقوط و هلاکت نجات یابیم؟ و آیا این حدیث، منحصر به علی و فاطمه و دو فرزند ایشان نیست؟ و چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان تمسک و پیروی از فرمایشات اهل بیت خود را می دهد، به این معنا است که این امر، بر همه مسلمانان واجب و لازم است؛ زیرا قول، فعل و تقریر پیامبر بر همه مردمان حجت و الزام آور است؛ چرا که پیامبر به تعبیر قرآن کریم کسی است که:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^(۱).

«و از سر هوس سخن نمی‌گویند، آنچه می‌گویند چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

و نیز:

﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾^(۱).

«و آنچه را که فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید».

از این بیان، چند مطلب روشن می‌شود:

۱- در معارف اسلام، مراجعه به آرا و نظرات فقهای اهل بیت علیهم‌السلام و تمسک به نظرات آنان، به نصّ روایات شریف نبوی - چنان که گذشت - امری واجب و لازم است، در حالی که مراجعه به سایر فقیهان [از دیگر مذاهب]، از چنین وجوبی برخوردار نیست؛ زیرا علاوه بر تعارض و اختلافی که در آرا و نظرات آنان وجود دارد، نصّی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این رابطه وارد نشده است.

۲- حال، اگر تسلیم شویم و بگوییم: مراجعه به تمام علما و دانشمندان واجب است، آیا فقیهان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام که به شهادت تاریخ همواره از افراد ممتاز این طبقه بوده‌اند، در صدر سلسله و طلایه دار این گروه نیستند؟ به علاوه، نصّ صریح روایات شریف نبوی

– که حدیث سفینه نمونه‌ای از آن است – بر تمسک به نظرات و فتاوی آنان تأکید می‌کند.

۳- در صورت بروز اختلاف و تعارض، میان رأی علمی فقیهی از پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام با فقیه دیگری از غیر پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به مقتضای شرع و عقل، واجب است که قول و نظر فقیه پیرو اهل بیت علیهم‌السلام را بپذیریم؛ زیرا در این صورت، بدون شک، به حکم واقعی الهی دست یافته از گمراهی به دور خواهیم ماند (دلیل این مدعا سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث سفینه است)، این در حالی است که انسان، با عمل به رأی فقیهان سایر مذاهب، نمی‌تواند به حکم شرعی یقین پیدا کند و در این شک و حیرت باقی می‌ماند که آیا به واقع امر، دست یافته است یا نه؟؛ زیرا در مورد رأی آنان حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد نشده و انسان عاقل، با تمسک به امری مشکوک، امر یقینی را ترک نمی‌کند بلکه برعکس، امر مشکوک را به کناری نهاده و یقین را ملاک عمل قرار خواهد داد.

۴- حال، ما می‌پرسیم: اصلاً چرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این حدیث شریف را بیان فرموده و فایده بیان آن، چه بوده است؟
با توجه به این که آن حضرت از سر هوا و هوس سخن نمی‌گوید و هر چه بر زبان می‌آورد، وحیی است که از غیب به او می‌رسد، آیا از سر شوخی به بیان این مطلب پرداخته؟! یا این که مقصود آن حضرت، نجات امت از گمراهی و انحراف بوده است؟

در این صورت، مسلمانان را چه می‌شود که خصوصاً در هنگام بروز اختلاف آرا و نظریات، به این حدیث شریف، عمل نمی‌کنند تا بدین وسیله - به تصریح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این حدیث شریف - از گمراهی و انحراف، مصون بمانند؟

۵- از نصّ این حدیث شریف، چنین بر می‌آید که عدم اخذ به رأی و نظر فقیهان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام خصوصاً در موارد تعارض و اختلاف، دلیل بر پافشاری و اصرار در گمراهی و انحراف است؛ چه این که در حدیث شریف سفینه - که قبلاً از آن سخن رفت - چنین آمده که:

﴿وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هُوَ وَ غَرِقَ﴾

«وکسی که از سوار شدن به این کشتی سر باز زند، سقوط کرده و غرق خواهد شد.»

۶- تمسک به آرا و فرمایشات ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام خود یکی از مصادیق بارز مودت و محبت به ذوی القربی است که در قرآن کریم، به نصّ صریح، واجب شمرده شده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

«بگو: به ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.»

و پر واضح است که عمل نکردن به نظرات و فرمایشات آنان، دلیل بر عدم توجه و اعتنا به آن بزرگواران بوده و این خود، نوعی

جفاکاری در حق آنان به شمار می‌آید که با مفاد آیه مؤدت - که در بالا به آن اشاره شد - منافات دارد. به این جفا کاری، اضافه کنید گمراهی و انحرافی را که به نصّ حدیث پیش گفته سفینه، دامنگیر چنین کسانی خواهد شد.

وجه دوم: تشیع از چه زمانی آغاز شد؟

اینک به لحاظ تاریخی، «پدیده پیدایش تشیع» را مورد بحث قرار می‌دهیم تا بتوانیم از راه بررسی تاریخ تأسیس و پیدایش آن، به نفع، یا به زیان آن اظهار نظر کنیم. هنگامی که نظریات مختلف را پیرامون پیدایش تشیع بررسی می‌کنیم، به نظریات ذیل می‌رسیم:

- ۱- تشیع در زمان رسول خدا ﷺ بنیان نهاده شده و آن حضرت خود، بنیانگذار این مکتب و غرس کننده این نهال بوده‌اند.
- ۲- تشیع بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ و پس از ماجرای سقیفه بنی ساعده به وجود آمد؛ آن‌جا که گروهی از مهاجرین و انصار به دور علی علیه السلام گرد آمده از بیعت با غیر او امتناع کردند.
- ۳- تشیع پس از جنگ جمل به وجود آمد که در آن اکثریت صحابه در کنار علی علیه السلام قرار گرفته در رکاب آن حضرت جنگیدند.
- ۴- تشیع بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا و قیام توأیین و مختار ایجاد شد.

۵- تشیع در عصر پیدایش مذاهب، در قرن چهارم و در دوران خلافت عباسیان به وجود آمد؛ دورانی که در آن، مذاهب فقهی گوناگونی همچون مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی شکل گرفتند، در آن زمان بود که «مذهب شیعه جعفری» نیز پیدا شد.

۶- این مذهب در قرنهای اخیر توسط فارسها ایجاد شد؛ چرا که می بینیم تا قبل از قرن ششم هجری، اغلب قوم فارس، علاقه‌ای به تشیع نداشته و غالباً پیرو مذاهب اهل سنت بودند^(۱) و حتی ابوحنیفه که رئیس مذهب حنفی است، از قوم فارس می‌باشد.

این خلاصه نظریات مختلف، درباره «پیدایش تشیع» بود. اما محققى که بخواهد در رابطه با «تاریخ تشیع» به تحقیق بپردازد، درخواهد یافت که قدیمی‌ترین سند تاریخی که در آن، لفظ «شیعه» علی «به کار رفته روایتی نبوی است که محدثان آن را در مورد نازل شدن آیه شریفه زیر بیان کرده اند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ
الْبَرِيَّةِ﴾^(۲).

«در حقیقت، کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، آنانند که بهترین آفریدگانند».

۱- بلکه قرن دهم، ر.ک کتابهای تاریخ.

۲- بینه (۹۸): ۷.

روایات بسیاری با این مضمون از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طریق اهل سنت رسیده است، که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- در تفسیر الدرّ المنثور سیوطی چنین آمده است:

«ابن عساکر با سند معتبر از جابر بن عبد الله نقل کرده است که گفت: نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم که علی عَلَيْهِ السَّلَام وارد شد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۱).

«سوگند به آنکه جانم در قبضه قدرت اوست! این مرد و شیعیان او

همان کسانی هستند که در روز قیامت، رستگارند».

و این آیه نازل شد که:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾

«در حقیقت کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند، آنانند که

بهترین آفریدگانند».

و اصحاب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چون علی عَلَيْهِ السَّلَام به نزد آنان می‌آمد،

می‌گفتند: خیر البریه (بهترین آفریدگان) آمد».

۲- همچنین سیوطی در همان تفسیر آورده است:

«ابن عدی، از ابن عباس روایت کرده که گفت: چون آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ نازل شد، رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«هُوَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مَرْضِيَّينَ»^(۱).

برترین آفریدگان خدا، تو و شیعیان تو هستید که در روز قیامت، خدا از شما راضی است و شما نیز از خدا خشنود می‌باشید.

۳- طبری در تفسیر خود چنین آورده:

از ابوالجارود، از محمد بن علی در ذیل آیه: ﴿أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ نقل است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«أَنْتَ يَا عَلِيُّ! وَشِيعَتُكَ»^(۲).

«ای علی تو و شیعیانت».

۴- خوارزمی در مناقب، چنین روایت کرده است:

«از طریق حافظ ابن مردویه، از یزید بن شراحبیل انصاری، کاتب علی علیه السلام نقل است که گفت: از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَنَا مُسْنَدٌ إِلَى صَدْرِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾؟ هُمْ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ، وَ

۱- الدر المنثور: ۶ / ۳۷۹، چاپ چاپخانه منیه قاهره، ۱۳۱۴ هـ. ق، همین مضمون را خوارزمی نیز در مناقب خود، صفحه ۶۶ آورده است.

۲- تفسیر طبری: ۳ / ۱۴۶.

موعدی و موعدکم الحوض، إذا اجتمعت الأمم للحساب
تدعون غرا محجلین^(۱).

«رسول خدا ﷺ در حالی که آن حضرت را به سینه خود چسبانیده بودم، فرمود: ای علی! آیا سخن خدا را نشنیدی که می فرماید: در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنانند که بهترین آفریدگانند؟ آن گروه، تو و شیعیان تو هستید و میعادگاه من با شما حوض کوثر است. آنگاه که امتها برای حساب گرد آیند، شما در حالی فرا خوانده می شوید که چهره‌هایتان می درخشد».

۵- صاحب الغدير نیز آورده است:

«حافظ جمال الدین زرنندی با سند خود از ابن عباس - رضی الله

عنهما - نقل کرده است که گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«هو أنت و شيعتك؛ تأتي أنت و شيعتك يوم القيامة راضين

مرضيين، و يأتي عدوك غضاباً مُقمحين؛ قال: ومن عدوي؟

قال ﷺ: من تبرأ منك و لعنك، ثم قال رسول الله ﷺ: من

قال رحم الله علياً رحمه الله^(۲).

«این گروه، تو و شیعیان تو هستید که در روز قیامت، خدا از شما راضی

و شما از خدا راضی هستید و دشمن تو دشمنان تو و غل به گردن به

۱- مناقب، خوارزمی: ۱۷۸.

۲- ر.ک: الغدير: ۲ / ۵۸.

محشر می آید. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن حضرت عرض کرد: دشمن من کیست؟ فرمود: کسی که از تو بیزارى جسته و تو را لعن کند. سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: رحمت خدا بر کسی که بگوید: رحمت خدا بر علی باد.»

۶- بغدادی در تاریخ خود چنین آورده:

«پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«أنت و شيعتك في الجنة»^(۱).

«تو و شیعیانت در بهشت هستید.»

۷- در کتاب مروج الذهب نیز، این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ دُعِيَ النَّاسُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا هَذَا - يَعْنِي عَلِيًّا - وَشِيعَتَهُ فَإِنَّهُمْ يَدْعُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ لَصِحَّةٍ وَلَادَتِهِمْ»^(۲).

«چون روز قیامت فرا رسد، همه مردمان به نامهایشان و نام مادرانشان خوانده می شوند، مگر این - یعنی علی - و شیعیانش که چون از ولادت صحیح برخوردارند، به نامهای خود و پدرانشان خوانده می شوند.»

۸ - صاحب صواعق نیز در کتاب خود از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل

می کند که به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

۱- تاریخ بغداد: ۱۲ / ۲۸۹.

۲- مروج الذهب: ۲ / ۵۱.

«یا علی! إنّ الله غفر لك و لذریّتك و لولدك و لأهلك و شیعتك و لمحبی شیعتك»^(۱).

«ای علی، همانا خداوند، تو و ذریه تو و فرزندان، خاندانت، شیعیانت و دوستان شیعیانت را آمرزیده است.

۹- در مجمع الزوائد آمده است که پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود:
«أنت أوّل داخل الجنّة من أمتی و أنّ شیعتك علی منابر من نور مسرورون مبیضّة و جوههم حولی. أشفع لهم فیکونون غداً فی الجنّة جیرانی»^(۲).

«تو اولین کس از امت من هستی که وارد بهشت می شود و همانا شیعیان تو، بر منبرهایی از نور، شادمان و با چهره‌هایی سپید پیرامون من هستند و من از آنان شفاعت می کنم و ایشان در بهشت همسایگان من هستند».

۱۰- حاکم در مستدرک نقل کرده است از رسول خدا منقول است که فرمود:

«أنا الشجرة و فاطمة فرعها، و علی لقاحها و حسن و حسین ثمرها، و شیعتنا ورقها، و أصل الشجرة فی جنة عدن و سائر ذلك فی سائر الجنّة»^(۳).

۱- الصواعق المحرقة: ۱۴۰ و ۱۳۹ و ۹۶.

۲- مجمع الزوائد: ۹ / ۱۳۱؛ کفایه الأثر: ۱۳۵.

۳- این حدیث را حاکم در مستدرک: ۳ / ۱۶۰ و ابن عساکر در تاریخ خود: ۴ / ۳۱۸ و ابن صباغ در الفصول، صفحه ۱۱ ذکر کرده‌اند.

«من به منزله تنه درخت هستم؛ فاطمه شاخه درخت، علی، مایه باروری آن، حسن و حسین، میوه‌های آن و شیعیان ما برگهای این درخت هستند؛ ریشه این درخت در بهشت عدن و سایر قسمت‌های آن در دیگر بهشت‌ها است.»

۱۱- در تاریخ ابن عساکر چنین آمده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به

علی عَلِيٍّ فرمود:

«يا علي! إنَّ أوَّلَ أربعة يدخلون الجنة أنا و أنت و الحسن و الحسين و ذریتنا خلف ظهورنا و أحبَّأونا خلف ذریتنا و أشیاعنا عن أیماننا و شمائلنا»^(۱).

«ای علی! چهار نفری که اول به بهشت وارد می‌شوند: من هستم و تو و حسن و حسین و نسل و ذریه ما به دنبال ما و همسران ما به دنبال ذریه ما و شیعیان ما از چپ و راست ما می‌آیند.»

۱۲- در تاریخ خطیب آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«شفاعتی لأمتی؛ من أحبَّ أهل بیتی و هم شیعتی»^(۲).

«شفاعتم نصیب امت من است؛ آنان که اهل بیت مرا دوست بدانند و آنان شیعیان من هستند.»

۱- تاریخ ابن عساکر: ۳۳۱۸/۴؛ تذکره السمطین: ۳۱؛ الصواعق المحرقة: ۹۶.

۲- تاریخ خطیب: ۱۴۶/۲.

۱۳- «هیثمی در مجمع الزوائد آورده است که رسول خدا ﷺ در خطبه خود فرمود:

«يا أيها الناس! من أبغضنا أهل البيت، حشره الله يوم القيامة يهودياً».

«ای مردم! هر کس ما خاندان را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور خواهد کرد».

پس جابر بن عبد الله عرض کرد: «ای رسول خدا! اگر چه آن شخص نماز خوانده و روزه گرفته باشد؟».

آن حضرت فرمود:

«و إن صام و صَلَّى و زعم أنه مسلم، احتجَزَ بذلك عن سفك دمِه و أن يؤدِّي الجزية عن يد و هم صاغرون. مُثِّلَ لِي أمتي في الطين فمرَّ بي أصحابُ الرايات فاستغفرتُ لعلی و شيعته»^(۱).

«حتی اگر نماز خوانده و روزه گرفته باشد و چنین گمان کند که مسلمان است؛ او با این کار، تنها خود را از کشته شدن و دادن جزیه با خواری و ذلت، نجات می‌دهد. در میان آب و گل، شیعیانم را به من

۱- احتمالاً مراد از اصحاب رایات، خلفای جور از بنی امیه و بنی عباس و سایر دشمنان اهل بیت علیهم السلام تا روز قیامت هستند (مترجم، به نقل از مولی محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی: ۱۵۸/۷).

نشان دادند و در همان حال پرچم داران^(۱) از کنارم گذشتند، آنگاه من برای علی و شیعیانش استغفار کردم».

۱۴- از آنچه تا کنون آوردیم، چنین بر می آید که بانی و کشت کننده بذر تشیع، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است؛ زیرا آن حضرت بوده که برای رشد و پرورش این نهال، تلاش فراوان کرده و همگان را به آن فرا خوانده است؛ از دیگر سوی، خداوند متعال نیز ما را فرمان داده است که:

﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾^(۲).

«و آنچه را که فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید».

بر این اساس، بر هر مسلمان مؤمنی واجب و لازم است برای رسیدن به حق و حقیقت، همواره دست به دامان پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بزند و به سخنان آن حضرت تمسک کند؛ چون آن حضرت به تصریح قرآن کریم، از سرِ هو و هوس سخن نگفته، تمام سخنانش وحیی است که از جانب خدا به او می رسد. بر مبنای این مقدمات، آشکار شد که: این اسلام راستین است که تشیع را بنیاد نهاده و تشیع سرچشمه زلال اسلام است.

۱- مجمع الزوائد: ۱۷۲/۹.

۲- حشر: ۷.

دلایل وجوب تمسک به مذهب اهل بیت علیهم السلام

مدعا این است که بر هر انسان مسلمانی، واجب است که از مذهب اهل بیت علیهم السلام پیروی کند و این امر، از روایات صریح رسیده از رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله که در آن به لفظ «شیعه» تصریح شده است، استفاده می شود.

به مقتضای مضمون این روایات، هدف اسلام جز با پیروی از مذهب تشیع برآورده نمی شود و این مذهب، سرچشمه زلال اسلام است و از رهگذر این احادیث، مسأله وجوب تمسک به تعالیم اهل بیت علیهم السلام و پیروی از سخنان آن بزرگواران را کشف می کنیم؛ زیرا تنها راه نجات یافتن از نابودی و گمراهی، همین است؛ چون پیامبری که جز به الهام وحی سخن نگفته، هرگز از سرِ هوا و هوس زبان به تکلم نمی گشاید، چنین فرموده است.

حال به نمونه هایی از سخنان آن حضرت در این باره توجه کنید:

الف: «إني تارك (أو مخلف) فيكم الثقلين، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي؛ كتاب الله و عترتي أهل بيتي، و إنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض»^(۱).

«من در میان شما دو چیز سنگین و ارزشمند باقی (یا به میراث) می‌گذارم که پس از من تا وقتی به آن دو چنگ زده و تمسک جسته-اید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترت (اهل بیت) من؛ این دو، همواره با یکدیگر خواهند ماند تا در سر حوض کوثر، بر من وارد شوند.»

علامه زرقانی مالکی، طبق نقل علامه سمهودی در شرح المواهب از او، از این روایت چنین برداشت می‌کند:

«این روایت، این معنا را به ما می‌رساند که یقیناً بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر عصر و زمانی تا روز قیامت، کسی از عترت آن حضرت وجود دارد که این شایستگی را داشته باشد که مسلمانان از او پیروی کنند تا به این ترتیب، این تشویق و ترغیب پیامبر صلی الله علیه و آله درباره تمسک به عترت، در هر عصر و زمانی، مصداق داشته باشد؛ همچنان که قرآن کریم نیز پیوسته و در تمام زمانها می‌تواند دستاویز نجات بخش مسلمانان باشد؛ از همین روی، قرآن و عترت پاک نبوی، همواره امان اهل زمین هستند و اگر اینها از میان بروند، تمام اهل زمین نابود خواهند شد.»

ب: «من سرّه أن یحیی حیاتي و یموت مماتي و یسکن جنّة عدن غرسها ربّی فلیوال علیاً من بعدی، و لیوال ولیّه، و لیقتد بالأئمّة من بعدی، فإنهم عترتی خلّفوا من طیبتی و رزقوا

فهمي و علمي، فويلٌ للمكذِّبينَ بفضلهم من أمتي، القاطعين فيهم صلّتي، لا أنالهم الله شفاعتي»^(۱).

«هر کس از این شادمان می شود که همچون من زندگی کند و همچون من بمیرد و در باغهای عدن بهشت که پروردگارم آنها را کاشته است، سکنی گزیند، باید که پس از من، علی را مولای خود بدانند و دوستان او را دوست بدارد و از اهل بیت من پیروی کند؛ چرا که آنان عترت من هستند و از خمیرمایه وجود من آفریده شده و دانش و فهم من نصیب ایشان گردیده است. پس وای بر آن دسته از امت من که برتری آنان را انکار کنند و حق خویشاوندی آنان را با من نادیده انگارند که خدا شفاعت مرا نصیب ایشان نخواهد کرد».

ج: «فی کلّ خلوفٍ من أمتي عدولٍ من أهل بيتي يُنفون من هذا الدین تحریف الغالین، و انتحال المبطلین، و تأویل الجاهلین، ألا إنَّ أمتکم وفدکم إلى الله عزّ و جلّ فانظروا بمن توفدون»^(۲).

«در هر نسل از امت من، مردان عادلّی از اهل بیت و خاندانم هستند که تحریف گزافه گویان، نسبتهای دروغ باطل پویان و تأویل نادانان را از این دین خواهند زدود. بدانید که پیشوایان شما فرستادگان شما به سوی

۱- حافظ ابونعیم در حلیه: ۶۸/۱ این حدیث را تخریج کرده و همچنین در ترتیب جمع الجوامع: ۶/۲۱۷ آمده است. طبرانی و رافقی نیز این روایت را آورده‌اند.

۲- طبری در ذخائر العقبی، صفحه ۱۷ این روایت را تخریج کرده است (صواعق: ۱۴۱).

پروردگارتان هستند، پس در این اندیشه کنید که چه کسانی را به نزد خدا خواهید فرستاد».

د: «إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»^(۱).

«همانا مَثَل من و اهل بیت من، مَثَل کشتی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یافته و هر کس از سوار شدن به آن سر باز زند، غرق خواهد شد».

ه: «النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بيتي أمان لأمتي من الإختلاف؛ فإذا خالفتها قبيلةٌ اختلفوا فصاروا حزب إبليس»^(۲).

«ستارگان، امان امت من از غرق شدن هستند و اهل بیتم، امان آنان از افتادن در اختلاف هستند؛ پس هر قبیله‌ای، از اهل بیت من سرپیچی کند، دچار اختلاف شده و از حزب شیطان خواهد شد».

از آنچه گفته شد، به تصریح روایات شریف نبوی، وجوب تمسک به سخنان و تعالیم اهل بیت علیهم السلام به خوبی دریافت می‌شود و بر همین اساس، مخالفت با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به هیچ وجه جایز نیست، پس ای برادر مسلمان! به این حکم صریح اسلامی توجه کن».

۱- بغدادی در تاریخ: ۹۱/۱۲ و حاکم در مستدرک: ۱۵۱/۳ این روایت را تخریح کرده و حاکم آن را صحیح دانسته است.

۲- حاکم در مستدرک: ۱۴۹/۳ این روایت را تخریح و تصحیح کرده است.

وجه سوّم: تصریح پیامبر ﷺ بر تشیع و شیعه اثنا عشری

شیعه تنها مذهبی است که در پیدایش و نامگذاری و تعیین تعداد ائمه خود، مستند به نصّ روایات اسلامی است، لذا شیعه و تشیع سرچشمه زلال و طبیعی اسلام است. دلیل ما بر این امر، «تصریح پیامبر ﷺ بر تشیع» است. و این مطلبی است که در کتابهای [شیعه و] برادران اهل سنت وارد شده است؛ چنان که در تفسیر الدرّ المنثور تألیف حافظ سیوطی نیز آمده و ما پیش از این، متن آن را ذکر کردیم.

علامه مجلسی نیز در دایرة المعارف بزرگ خویش (بحار الأنوار) چنین آورده است:

«ابو سعید خدری گوید: روزی رسول خدا نشسته بودند و در کنار آن حضرت، تعدادی از صحابه، از جمله علی ابن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام حضور داشتند، ناگهان رسول خدا فرمود:

«من قال لا إله إلا الله دخل الجنة؛ فقال رجلان من أصحابه: فنحن نقول لا إله إلا الله، فقال رسول الله ﷺ: إنما تُقبَلُ شهادة أن لا إله إلا الله من هذا و شيعته الَّذِينَ أَخَذَ رَبُّنَا مِيثَاقَهُمْ»^(۱).

«هرکس لا اله الا الله بگوید، وارد بهشت می شود. دو مرد از اصحاب آن حضرت، به ایشان عرض کردند: ما نیز لا اله الا الله می گوئیم.

۱- ر.ک: بحار الانوار: ۲۰۳/۹۳.

پیامبر ﷺ فرمود: همانا شهادت لا اله الا الله تنها از این شخص [علی علیه السلام] او شیعیان او، که خداوند از آنان عهد و میثاق گرفته است، پذیرفته خواهد شد.»

همچنین امام احمد بن حنبل در کتاب مسند، روایتی آورده که متن آن چنین است:

از شعبی، از مسروق نقل است که گفت: نزد عبد الله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن را بر ما قرائت می کرد. در این هنگام مردی به او گفت: ای ابا عبد الرحمن! آیا هرگز از رسول خدا پرسیدید که این امت، چند خلیفه خواهد داشت؟ عبد الله بن مسعود گفت: از هنگامی که من به عراق آمده‌ام، کسی چنین سؤالی از من نکرده است. سپس گفت: آری، از رسول خدا ﷺ چنین سؤالی کردیم و آن حضرت در پاسخ فرمود:

«إِثْنَا عَشَرَ كَعْدَةَ نُبَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»^(۱).

«دوازده تن، به تعداد نُبَّاءِ بنی اسرائیل.»

پیامبر اکرم ﷺ در ادامه این حدیث، چنین تأکید فرمودند:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَيَكُونَ عَلَيْهِمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^(۲).

۱- مسند احمد: ۱/۵۵۷، ح ۳۷۷۲.

۲- صحیح مسلم: ۳/۱۴۵۲.

«این دین همواره تا قیام قیامت برپا خواهد بود و دوازده خلیفه که تمامی از قریش هستند، آنان آنها را سرپرستی خواهند کرد.»
 با توجه به این روایت شریف، باید ببینیم پس از پیامبر اسلام، چند خلیفه و با چه ترتیبی بر مسند خلافت رسول نشستند. به آمارى در این رابطه توجه کنید:

خلفای راشدین با احتساب حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام؛ پنج نفر:
 خلفای بنی امیه؛ چهارده نفر.
 خلفای بنی عباس؛ ۲۳ نفر.
 مجموع این خلفا؛ ۴۲ نفر.

با توجه به این آمار تاریخی، چنین نتیجه می‌گیریم که جز بر طبق معتقدات مذهب اهل بیت علیهم السلام - که اعتقادات خود را درباره نام و تعداد امامان خود، مو به مو از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفته‌اند - نمی‌توان این حدیث شریف را تفسیر کرد. به همین جهت است که شیعیان، خود را به تبعیت از رسول الله صلی الله علیه و آله «شیعه اثناعشری» نامیده‌اند.

اگر بخواهید این بحث را به تفصیل مورد مطالعه قرار دهید، به کتاب «نظریة النبوة والإمامة والخلافة»^(۱) مراجعه کنید.

۱- سید عبدالکریم قزوینی، نظریة الإمامة والخلافة: ۴۵.

حال که معلوم شد مذهب تشیع بر گرفته از کتاب و سنت است و این تنها مذهبی است که حتی در تعیین نام و تعداد ائمه علیهم السلام ملتزم به قرآن و سنت است، چگونه می‌توان به چنین مکتبی تهمت زد و افترا بست؟

وجه چهارم: ویژگی‌های شیعه

انسانی که وابسته به مذهب و متمسک به تعالیم اهل بیت علیهم السلام است و راه و روش و سیره آن بزرگواران را در زندگی سر مشق خود قرار می‌دهد، به ناچار باید دارای هویت و علامت ویژه ای باشد، که بدون هیچ ابهامی او را از دیگران متمایز و مشخص کند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام - که فرزند حضرت امام سجاد زین العابدین؛ علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام است - در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب خود به نام جابر بن یزید جعفی که در رابطه با مشخصات و ویژگیهای انسان شیعی، چنین پرسیده بود: ای فرزند رسول خدا! آیا برای کسی که خود را شیعه شما می‌داند، کافی است که به ولایت شما معتقد باشد؟ فرموده‌اند:

«لا یا جابر! فو الله ما شیعتنا إلا من اتقى الله و أطاعه و ما كانوا يُعرفون إلا بالتواضع و التخشع و الإنابة و كثرة ذكر الله و الصوم و الصلاة و تلاوة القرآن و التعهد للجيران من الفقراء و أهل المسكنة و كانوا أمناء عشائهم فی الأشياء.

فقال جابر: يا بن رسول الله! ما يعرف اليوم أحدٌ بهذه الصفات؟ فقال الإمام: يا جابر! لا تذهبن بك المذاهب أفحسب الرجل أن يقول أحبُّ علياً و أتولاهُ ثمَّ لا يكون فعّالاً؟ فلو قال: إننى أحبُّ رسولَ الله و رسولُ الله خيرٌ من علي، و لا يعمل بسنته و لا يتبع سيرته ما نفعه حبه شيئاً؛ اتقوا الله و أطيعوه و ليس بين الله و بين أحد قرابة؛ ألا من كان عاصياً لله فهو عدو لنا و من كان مطيعاً فهو ولي لنا».

«نه، ای جابر! به خدا سوگند! شیعه ما نیستند، مگر آنان که تقوای الهی پیشه نموده و خداوند را اطاعت کنند و آنان جز به فروتنی، خشوع، انابه، بسیار به یاد خدا بودن، روزه، نماز، تلاوت قرآن و متعهد بودن به رسیدگی به امور همسایگان نیازمند، شناخته نمی شوند و در میان قوم و قبیله خود، همواره مورد اعتماد و امانتدار مردم هستند».

جابر عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! امروزه کسی با این صفات یافت نمی شود! امام فرمودند: ای جابر! به بیراهه نرو! آیا هیچ مردی می تواند ادعا کند که من علی را دوست می دارم و ولایت او را در دل دارم، اما در پس ادعای خود، عمل و فعالیتت نداشته باشد؟ اگر کسی بگوید: من رسول خدا را دوست می دارم و رسول خدا برتر از علی است، اما به سنت او عمل نکرده از سیره وی پیروی ننماید، این دوستی تنها، سودی به حال وی نخواهد داشت. از خدا پرهیزید و از او پیروی کنید و بدانید که خدا با هیچ کس نسبت خویشاوندی ندارد. آگاه باشید که

هر کس خدا را معصیت کند، دشمن ماست و هر کس مطیع خدا باشد، از اولیای ما به حساب می‌آید.»

این، بخشی از ویژگیهای یک انسان مسلمان شیعه بود که منسوب به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛ یعنی کسی که شایستگی دارد خود را به این صفات بیاراید تا در مقام عمل، شاگرد راستین و موقّق این مکتب باشد.

اقا صرف ادّعی انتساب به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و یدک کشیدن نام تشیّع، بدون عمل و التزام به دستورات آن، نه فایده‌ای داشته، نه جلب‌کننده محبّتی است و چنین کسی، مصداق این شعر شاعر است که می‌گوید:

وکلّ یدعی وصلاً بلیلی ولیلی لا تقرّ لهم بذاکا

«و هر کدام از ایشان ادّعی وصال لیلی را دارند، اقا چنان نیست که لیلی سخن تمامی ایشان را تصدیق کند.»

خواننده محترم!

این جزوه در بر دارنده بخشی از مباحثات شفاهی ست که در مکه مکرمه و مدینه منوره درباره شیعه و تشیع انجام گرفته است. ما به گونه‌ای واقع گرایانه در این مباحث وارد شدیم به گونه ای که منجر به پذیرش مذهب اهل بیت علیهم السلام توسط برخی از منصفان گردید. انسانهایی که تنها هدف ایشان، اسلام و یافتن راه استوار آن بوده، همواره در پی یافتن حق و اهل حق هستند.

شاید خواندن این جزوه نیز، اولین تجربه خواننده آن، در راه یافتن مذهب حق، بر اساس قرآن کریم و سنت شریف نبوی باشد.

مآخذ

- ١- الصواعق المحرقة.
- ٢- الغدير في الكتاب والسنة للشيخ الأمين.
- ٣- الفصول المهمة لابن الصباغ.
- ٤- القرآن الكريم وتفسيره.
- ٥- المستدرک للحاکم.
- ٦- المناقب للخوارزمي.
- ٧- بحار الأنوار للشيخ المجلسي.
- ٨- تاريخ ابن عساكر.
- ٩- تاريخ بغداد للخطيب البغدادي.
- ١٠- تاريخ مروج الذهب للمسعودي.
- ١١- تذكرة السمطين.
- ١٢- تفسير البيضاوي.
- ١٣- تفسير الدر المنثور للسيوطي.
- ١٤- تفسير الطبري.
- ١٥- تفسير الكشاف للزمخشري.
- ١٦- ذخائر العقبى.
- ١٧- شرح المواهب.

- ١٨ - صحيح مسلم.
- ١٩ - قاموس المحيط في اللغة.
- ٢٠ - كتب اللغة والتاريخ.
- ٢١ - كفاية الأثر.
- ٢٢ - كفاية الطالب.
- ٢٣ - مجمع الزوائد.
- ٢٤ - مروج الذهب.
- ٢٥ - مسند أحمد بن حنبل.
- ٢٦ - نظرية النبوة والإمامة للمؤلف.
- ٢٧ - نهج البلاغة من خطب الإمام علي (عليه السلام).